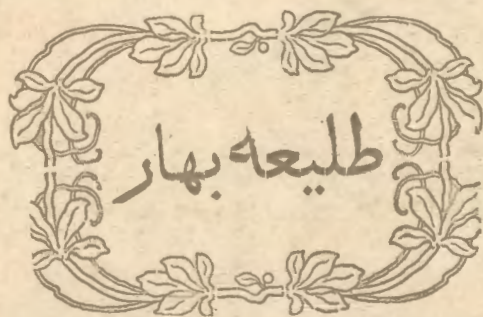


۱۰۰/۸۵

عید سعید ملی نوروز را
بعه وم هم میهنان عزیز تبریک میگوئیم

ضمیمه روزنامه ندای آسمانی



منتخبات از مقالات ادبی
آقای محمد جناب زاده

(جلد اول)

گرد آورنده

علی محمد سپهر، گرجانی - دانشجوی پزشکی
(فژور دین ۱۳۲۳)

چاپخانه سیروس

قابل توجه

عموم علاقمندان بدانش پزشکی

بنا بتقاضای عده‌ای از پزشکان و دانشجویان

دانشکده پزشکی

قبوض قبل از انتشار بزرگترین کتاب طبی درمان‌شناسی
(تراپوتیک) نگارش آقای دکتر محمد علی غری که
سابقاً در روزنامه ندای آسمانی چاپ میگردد از طرف اداره
منتشر شد
این کتاب بطوری که پیش‌بینی شده در چهارجلد کامل
باتمام خواهد رسید و بزرگ‌ترین کتابی است که شاید بابت
زودی نظیر آن بزبان فارسی چاپ نگردد.

فلا جلد اول آن در حدود ۳۵۰ صفحه بقطع خشتی بزرگ
درزیر چاپ است و چون مقدار آن کم تخمین شده ممکن است بزودی
نایاب گردد

قیمت قبل از انتشار ۸۰ ریال بعد از انتشار ۱۲۰ ریال مرکب

کل انتشار قبوض - کتابفروشی علمی

دفتر روزنامه ندای آسمانی - علیمحمد سپهر
دانشجوی پزشکی



جناب آقای سیدضیاء الدین
طباطبائی

ضیاء حقیقت میدرخشد

طلیعه بهار خندان است

در بهار سال ۱۳۰۰ طبیعت خاموش شد گویی مام وطن از هجران تولباس
ماتم در بر کرده

بیست و دو سال گذشت ، خورشید نورافشانی کرد سطح خاک و تلو
دمن را روشن نوه . فروردین . اردیبهشت . آمد و رفت سال بیابان رسید و غرش
توب حلول سال جدید و تحویل آفتاب را بیرج حمل اعلام داشت ولی در میان این تجلیات
ضیاء حقیقت تابش نداشت

در آغوش این سالهای بیروح و سرد حوادثی بوجود آمد تاریخ در صفحات سفید
اعمال و افعال سیاهکاران را نقش نمود

باید گوش بصدای تاریخ داد ! تاریخ ! تاریخی که با قلم حقیقت نکاشته شده
باشد و سینمای ناطق حوادث پنهان و آشکار این مرز و بوم باشد این چنین تاریخی
جز در لوح خاطر عناصر بلك وجود ندارد هر چند درود یوار و آثار و علائم بی شمار
موجودیت مادی و عقلی نسل معاصر ، گویای حقایق هستند

فرشته آزادی را بال و پر کنند زان او را در قفس آهنین مطامع و مظالم زندانی
نمودند آزادی را از میان بردند وقتی آزادی از میان رفت همه لذا بنده و تمتعات گیتی را با خود میبرد
زندگانی بدون آزادی فکر و قلم ، خشک . سرد . عبوس . تلخ و

مرگبار است .

ساختمان ها و بناهای دلربائی در انتظار بوجود آمد ولی سازمانها و تشکیلات
دلفریبی افیون آسا زمام مقدرات را در دست گرفت و تار و پود هستی را قبضه کرد
ما از هر طرف زندانی شدیم ؛ فشار و مظالم ؛ جنگ با مقدسات ؛ حذف تعالیم دینی
از برنامه فرهنگ بسته شدن مساجد و خراب نمودن معابد - گشایش صحنه های رقص و
باده گساری . شکستن قلمر کشتن فکر ، روح بی ایمانی ؛ جاسوسی و هزاران مفاسد
اخلاقی ناگفتنی را خلق کرد - رعب و هراس بر عامه مستولی شد افراد از خود هم -
وحشت داشتند و این بیم و سوعظن تا اندازه قوت گرفت که سلو نه های انساج بدن
همه اکتفا ، تماط مغز اشخاص ، همه از اتصال ، توازن حرکات و هم آهنگی ، طفره میرفت .



شهر ریوراسل ۱۳۴۰ از قلب مقدرات طلوع نموده شکلات متاع رنگارنگ و نوزادی
وجود آمد.

آنوقت بود که ماسرود شاعر نامی و ملی عارف فقید را بخاطر آوردیم که:

ای دست حق پشت پناهت باز آ

آرزوی قلبی میهن خواهان برآورده تو آمدی و کلشن خزان مارا از نو
بهار نمودی بهار سال ۱۳۴۳ با همه شاداند باز فرح بخش و روح پرور است ما
امروز به نشاط آمده ایم نغمه بلبل، عطر سنبل، زمزمه جویبار، ترنم ایشار روان شعر
و ادب را از نوزنده ساخته

زیرا تو در میان ماهستی:

کلمات در ریار فصاحت شمار تو درس آزادی و راهنمای وحدت و

یک رنگی است.

پرچم توحید و خدا شناسی را با همت از درآور زیرا آیات ،
نصر من الله و فتح قریب مژده پیروزی میدهد و منشور انافتحننا لك
فتحاً میبنا از فروغ آسمانی میدرخشد.

قومیت و ملیت ، مبانی مدنی و اجتماعی ما با مرور قرنهای طولانی در اعماق طبیعت
و تاریخ ریشه گرفته و مایه بسته است.

ما همه از یک نژاد ، و دارای یک آئین و یک زبان هستیم
ما باید بر روی موجودیت تاریخی پیگره وجود خود را استوار
سازیم ، همیشه دین و ادبیات و آثار پسر افتخار خود را دوست
بداریم حیات ما - روح و روان ما - شعائر ملی ما است .

حجاب اهریمنی میخواهد این حقایق را مستور بدارد - رخنه و شکافها برای
تلاشی و پاره شدن عناصر ملی در سازمان مدنی ما ایجاد میکند - آری میخواهند
مبانی قومی و هستی مارا واژگون نمایند ای فرزندان پاک نژاد کیان و سلاله دودمان
بزرگان جهان - برخیزید بنام خدا و بانور ضیاء و حقیقت در حفظ
کنجینه های بر بها و بی مانند نیاکان هم فکر و هم آهنگ شوید و یکدل و یک
زبان بگوئید.

ایران وطن عزیز ما پاینده باد :

ایران بدخواه تو نابود باد .

مقدمه

بنام ایزد یکتا و بی‌همتا

بعد از مدتی دراز که دوره دانش‌آموزی را با تحمل انواع مشقات و دشواری پایان میرسانم سال ۱۳۲۳ نخستین بهاری است که درد بی‌باچه خود می‌خواهد شروع بشکاش سرنوشتن نماید و باید خواهی نخواهی وارد دومین مرحله زندگانی شده و محیط بی‌آلایش و لذت‌بخش مدرسه را ترک کویم

دوره زندگانی از مرحله صباوت و دیده‌گشائی به وجودات خلقت شروع میشود، در مکتب خانواده و محیط مدرسه رنگ و عواطف دیگری پیدا میکنند در این مرحله از زندگانی بذرومایه دوره‌های آینده در مزرعه وجود و کشتزار مقدرات افشاندن میگردند تا عوامل و موثرات محیط آنرا چگونه پرورش دهد و نهال زندگانی چه میوه‌های تلخ یا شیرین بار آورد

هر چند رشته تحصیلات نهائی من بر اثر ذوق طبیعی دانش پزشکی میباشد ولی از لحاظ آنکه تنها طبابت میراث خانوادگی من نبوده بلکه ادب و شعرای ناموری درد و درمان من تجلی نموده‌اند طبیعی است که مایه و نشاط روان مرا ادبیات هم تشکیل داده است

در دوره تحصیلات متوسطه و عالیّه عشق و انری بجمع آوری آثار ادبا و شعرا عالی‌قدر میهن خود داشته‌ام بویژه ادبیات و آناری که بازبان طبیعت سروده شود و زیاده‌تر طرف علاقه من است

در میان آناری که جمع‌آوری نموده‌ام روانم بیشتر تشنه نگارش‌های خویشاوند گرام و نویسنده دانشمند محترم آقای محمد جناب زاده میباشد.

سبك نگارش این نویسنده بزرگ پیوند ادبیات قدیمه و جدید و در سلك
الفاظ و عبارات زیبا و دلربا و سحرآمیز است بهمین جهت عامه بویژه دانش آموزان
مجدوب طرز نگارش آقای محمد جنابزاده میباشند

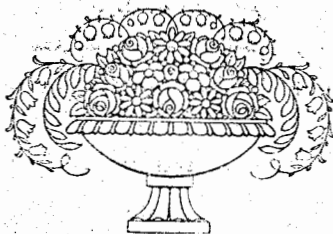
اوراق پراکنده تصنیف آقای محمد جنابزاده در ردیف شاهکار های
نویسنده کی دوره معاصر است و تعلیم و تربیت در نظر سعدی نگارش ایشان عالی
ترین پایه تحقیقات علمی و فلسفی را نسبت بانثار حکیم و عارف و شاعر نامی شیخ
سعدی شیرازی انجام داده و نیز کتاب راهنمای دانش که بهترین کتاب تربیتی در طرز
تعلیم میباشد معروف عام و خاص است

می خواستم آثار پراکنده دیگری که از این نویسنده نامی جمع آوری
نموده ام و هنوز بچاپ نرسیده بكجا انتشار دهم ولی امور درسی مرا از انجام این
مهم باز داشته و از خداوند متعال توفیق می خواهم که در این مقصود مدد فرماید
اینك بمقاد هالایدرك كله لا یترك كله قطعات رنگارنگ ادبی که در
سالهای گذشته به عنوان طلبه بهار نوشته شده و در روزنامه کوشش بچاپ رسید . به
انضمام قطعات جاودانی دیگری (که در جلد دوم انتشار مییابد) با اجازه نویسنده
محترم بنام هدیه ادبی بفرهنگ میهن عزیز تقدیم مینمائیم .

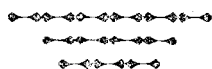
علیمحمد - سپهر، گرسگانی

دانشجوی سال ششم پزشکی

فروردین ۱۳۲۳



جشن نوروز



زمستان سیری شد ، دوره سکوت و خاموشی طبیعت گذشت نسیم
فروردین بانفخه روح پرور وزیدن گرفت و نشاط درعالم هویداگشت ، صفا
زمردین چمن ، شکوفه های باطراوت و نورس اشجار ، غرش رعد ، درخشیدن برق
جلوه ابرهای گهربار در سقف مینائی آسمان ، و چهچه پرندگان ، طایفه پرشکوه
بهار است .

بهار دوره نشاط و کامرانی طبیعت است ، روح حیات در موجودات
دمیده میشود ، لطافت و اعتدال هوا ، نفخه عطرا انگیز نسیم ، همه را بوجد میآورد
بعد از یکسوره طولانی ، رخوت و مستی قوه نامیه علائم رشد در نباتات ظاهر
میگردد ، ظهور فصل ربیع و حلول فروردین ، طبیعت کهن را شاداب و جوان واز
نوزنده میسازد .

نوروز اولین روز بهار ، روز نو و عید طبیعت است ، زمین بعد از طی يك
دائرة انتقالی بدور آفتاب و تصادف با تحولات رنگارنگ باز بر منزل اصلی
و هیاء و منشاء حرکت خود میسرود ، زمین میچرخد و در این حرکت
استمراری کاروان بشر را در فضای لایتناهی بخود واگذارده در مسیر خود
پیش میرود فصول اربعه بهار - تابستان - پاییز - زمستان نتیجه این تحول و
نمره این گردش مستدیر است . نظام طبیعت در روی يك اساس تغیرناپذیر
و قانون ثابت استوار و بایك نسبت معین اجرام فلکی و انجم آسمانی در
مواقع خود با یفاء وظیفه مشغولند و در سیر تکاملی و مدارج علوی بحرکت
خود ادامه میدهند ، زمین بعد از يك سیر انتقالی که سال را تشکیل میدهد ، باز
بمبداء خود بر میگردد .

نخستین روز فروردین روز نو از میلیون ها سال و گردشهای زمین است
روزاول سال ، فروغ آسمان ، اهتزاز نسیم ، لطافت و طراوت هوا خرمی و

مسرت طبیعت را نشان میدهد نوروز عید طبیعت است در زندگانی اجتماعی، ملل نیز عید ملی و اعیاد دیگری دارند، در عید خاطره‌های خوش‌دورهای مسرت را بیاد می‌آید، بعضی از اعیاد مولود یک سلسله حوادث و سوانح تاریخی است در طی تحول و تطور ممکن است وقایع و پیش‌آمد های تازه‌تری، اعیاد نوینی بوجود آورد و صفحه گذشته را از نظر جامعه‌دور سازد.

اعیاد چون مولد سرور و شمع در جامعه هستند، و احساسات یک قومی را محکم و بجوش می‌آورند از نظر فلسفه زندگانی اجتماعی قویترین عامل حیاتی محسوب میشوند.

ایران، این مملکت کهن سال که از صدر تاریخ وجود خود در طی چندین هزار سال از منازل مخوف و یادوار مجمل زندگانی عبور نموده اعیاد زیبای داشته که هر یک از آنها مولود یک سانحه سعادتمندیش ملی بوده است.

پیش‌آمد ها و جزر و مد تاریخ سیاست بیگانگان و اجانب که در قلب اقتدار ایران راه می‌افتند و باضمحلال و انقراض مزارای ملی این مملکت سعی شدند برای تغییر و عادات و رسوم ملت با قهر و غلبه اعمال نفوذ نمودند.

بالاخره غارتگری های مغول و وقایع دیگر لطمه شدیدی به علائق ملی ایرانی زد، اما نیاکان زنده ما احساسات و عواطف نژادی را فراموش نکرده آثار مجد و عظمت خود را بابرور تظاهرات و شعائر ملی زنده و جاوید نمودند.

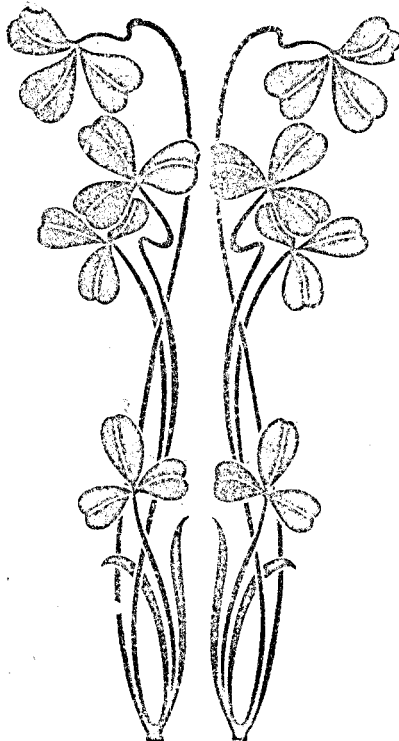
عید نوروز یکی از بزرگترین اعیاد ملی ایران و با جشن طبیعت توأم است قومیت و ملیت با حفظ آثار و شعائر اجتماعی باقی می‌ماند و اگر یک خانواده و خانواده با اقوام خود معاشرت ننماید، خاطره‌های پر مسرت و علائق خویشاوندی را در نظر مجسم نکنند با مرور زمان خط فراموشی بر قومیت آنان کشیده شده و نزدیک ترین افراد خانواده بواسطه بعد زمان و فقدان احساسات از هم دور ورشته خویشاوندی از هم گسسته میشود یک ملت یا یک جامعه هم که خاطرات تاریخ و عید ملی خود را محترم بشمارد و از بروز احساسات خودداری کند بزودی رشته

قومیت او پاشیده شده همه خود را نسبت بهم بیگانه دانسته روح معاشرت، صفای قلب، وصیمیّت از آنها دور میشود •

جامعه که تظاهر و شعائر ملی ندارد و بالاخره فصل مشترک و کمال مطلوب او معدوم است مرک تاریخی او بال و پر میزند بر صفحه تاریخ نظر کنید و ببینید که نیاکان ما با چه نوع قربانیها و فداکاریها آثار وجود و حیات ملی این مرز و بوم را زنده نگاه داشتند •

در ایام عید مسرور باشید، رسوم و آئین باستان را زنده کنید، ملیّت و قومیت ما را از نو زنده سازید •

ایرانی و ایران دوست باشید تا بتوانید شما هم در جرگه ملل زنده دنیا زنده بمانید !



آغاز فروردین

نشاط طبيعت

شماره زرین مهر صحنه زمردین چمن را آرایش میدهد، قطعات حریر فام ابر در
در سقف مینائی آسمان غمازی میکنند. ریزش باران بهاری باغ و بستان را با
طراوت میسازد. شکوفه های نورس بر شاخسار اشجار می درخشد، جویبار هازمه
کنان در مرغزارها از هر طرف روان و در صحنه آبکینه نقوش باصفای گلزار را
منعکس و جلوه میدهند.

فصل بهار است طبیعت با قلب پر از نشاط بدایع خود را در نمایشگاه جهان
در معرض تجلی درآورده آثار شمع و خرمی از همه جاه ویدا و پدیدار است
همه جا موجودات لطافت درخشنده و بهجت نورانی بخود گرفته اند نقشه
روح پرور بهاری، نسیم عطر انگیز فروردین، ذرات را در دل خاک بجنبش
درمی آورد و از جوب خشک اوراق سبز و غنچه های تازه سر بیرون میزند
خواهی ^{نخ}خواهی نکبت بهاری روح جوانی میدهد اگر ماعید نخواهیم و به آثار و
مزایای ملی اهمیت ندهیم ناموس طبیعت، گردش افلاک روش دوران وزم ت
تغیر پذیر نیست

دنیا دهر گردش نفسی تازه میکند آسمان با ابرهای براز گهر گلهای
رنکار رنگ را نشان میدهد آن دماغ و قلبی که از شمیم جان بخش بهاری تازه نشود
و از تماشای بساط چراغانی طبیعت، از مشاهده گلهای الوان و شکوفه های خندان
نغمه بلبلان خوش الحان و چهچه دلربای پرندگان بهوش نیاید آیا از کیفیت زندگانی از
عشق و سر وجود چه لذتی یافته و از زندگانی چه تمتعی برده اعصاب و سلولهای
دماغ و تارهای قلبش از چه رشته بافته شده است ؟ !
هر جامعه عید خاصی دارد. سرور و شمع در خود ایجاد میکنند بایر و احساسات

علائق نژادی و ملی خود را مستحکم می‌نماید نوروز عید ملی ایرانیان عید طبیعت است طبیعی تربیت اعیان این عید است صفای قلب لطافت ادراک روح شاعرانه و عاطفه پاک نیاکان ما که عاشق جلوه های شوخ و شنك خلقت بودند ظاهر می‌سازد

هوقیت تاریخی و مظفریت پارسها اساس عید نوروز را بوجود آورده ایرانی که برطبق معتقدات اولیه ایمانی خود با کشت و زرع و زندگی فلاحی سروکار داشت اجرو نواب را از غرس اشجار و باغ وستان آرزو مند بود

عید طبیعت را عید ملی خود قرار داد در کشمکش های تاریخی در فشار و سلطه بیگانگان که با تمام شئون او در مبارزه بود در همان اوانی که امثال ابن مقفع را بگناه ابراز احساسات ملی اعدام کردند شعائر ملی خود را حفظ کرد

در همان تاریخی که برای آثار تاریخی ایران برای تخت جمشید و بیستون و سدها ساختمان های تاریخی دیگر افسانه های نامربوطی جعل و حقایق تاریخی را تسلیم کهنای و فراموشی می کردند در آن روز هائی که اجداد ما زبان ملی را در سرداب ها با عتاب و اخلاف خود یاد می دادند ایرانی در حفظ رسوم و عادات ملی خود داری نداشت

عید نوروز را که نماینده علم و طبیعت و فکر و حسن تشخیص و است معترمی شهر د علمای اسلامی که در صف مقدم آنها ایرانیان جای گرفته بودند برای عید نوروز فضایل و مناقب مذهبی استخراج و ساعات تحویل آفتاب را بجرج حمل عجب با علائق دیانتی نمودند

اگر ایران در ادوار تاریخی سرنوشت کلد و آشور و فنیقیه و نینوا را پیدان نکرد اگر مانند ملل بزرگ در مدفن فراموشی معدوم نشد برای این بود که قوه اجتماعی و رابطه قومیت و ملیت خود را از دست نیداد

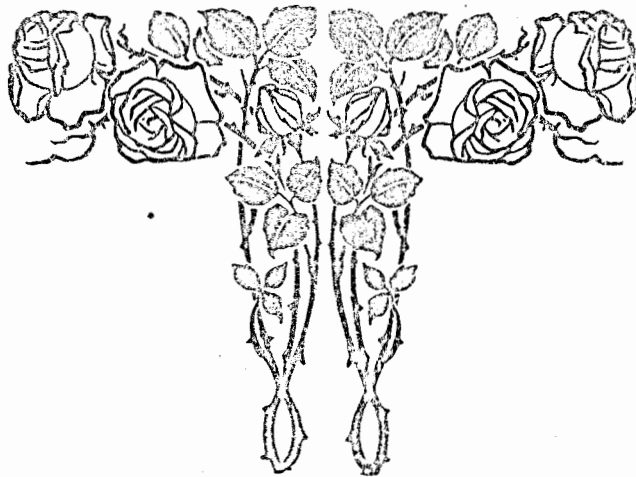
ممالك سائره باین حقیقت آشنا هستند اعیاد و جشن های سالیانه آنها برای تقویت قوام ملی است هر مملکتی بنوبه خود روزهای سرور و بر نشاطی دارد بنام تاریخ بنام علائق مذهبی ملل عید های مخصوصی دارند در این روزها اهتزاز و مسرت از هر سو

هویدا است علاوه بر این جشن‌هایی که بنام اخترعین و کاشفین و دانشمندان برپا می‌کنند
یگانه‌مهد پرورش قهرمانان علم و معرفت است

وطن پرستان حقیقی ارباب فضل و دانش میبایستی باتمام قوا برضد این
افکار مسموم این باوه سرائی‌هایی که کاخ بلندملیت ما را می‌لرزاند چنگ کنند آری
باید با بروز احساسات بر اهداء تبریک و مسرت آثار و شعائر ملی رازنده نمود و عید نوروز
بزرگترین عید ایران است جشن‌ها باید برپا شود و شعرا برای دانشمندان از عظمت این عید
طبع آزمایی کنند

باید سرود ملی سرودیکه خون و مناعت ملی را بجوش آورد تنظیم نمود و باید و
بازدیدها بوسه‌های گرم عواطف نژادی را زنده نمود

و از همه مهم قلب آرزو مند سعادت وطن بود - زنده باد ایران ...



سال نو

سال نو شد طبیعت دفتری از نو باز کرد
 خورشید با فروغ زرین باغ و بستان با تجلیات رنگین خود نمائی می کند
 نسیم روح بخش فروردین ساحت چمن دشت و دامن را روح و
 طراوت می دهد .

ابر بهاری قطرات زلاله بر رخسار لاله می باشد چشمه سارها جویبارها در مرغزار
 ها و گلستانها مانند آبگینه سیال روان می باشد

سال پر وفروت سحر کاهات با چهره پرچیت از ساحت کیتی رخت
 بر بست فرشته نوزاد سال نو با سیمای بشاش و خرم قدم به عالم وجود گذارد
 سال گذشته رفت دفتر های حوادث و قایع را با خود برد سال جدید آمد و
 تقویم ایام را برای نقش اتفاقات و ثبت مقدرات همراه آورد

ایام زمان ساعات و دقائق متوالی و مسلسل می آیند و می روند عقربك ساعت در
 صفحه ساعت علی الدوام چرخ میزند
 این تيك و تاك شمارش دقائق و ساعات عمر ما است از این حرکت متمادی زمان
 و سال وجود می آید

مقدرات و سرنوشت زمان و ایام و اولاد کار و سعی و عمل است نظام عالم گردش
 طبیعت بر محور سعی و عمل استوار است زمین می چرخد روز شب وجود می آید آفتاب
 می درخشد اجسام نامیه را پرورش میدهد ابر میگریسد رعد میفرد باد میوزد برق
 می درخشد .

آفتاب ماه کواکب و اجرام فلکی همه کار میکنند نتایج این کار همان است
 که حیات ما و موجودات را تامین نموده است

ناموس زندگانی و بقا سعی و عمل است
 شادان کیفیت زندگانی هر يك از موجودات مطالعه کنید با چشم می بینید که
 از گردش فصول و توالی ایام غافل نیستید همه کار میکنند همه در
 حرکت می باشند

زندگانی زنبور عمل سعی و تلاش موثرترین فصلی است که ما میتوانیم از آن درس کار و عبرت بگیریم

حسن تنبیه و ایفاظ يك قوه موثری است که جبران تصویر یا اشتباهات مافات را میکند این قوه و این عامل حیات بخش را باید با مطالعه فصول طبیعت در خود خلق نماییم .

در محاکم عادی میتوان با جعل ادله و برهان از مسئولیت مبرا شد - دوستان و آشنایان را ممکن است با خدعه و حیله اغفال نمود، ولی وجدان را با هیچ دلیل و برهانی جز با درستی و حقیقت نمیتوان قانع کرد.

پس برای هر کس تافرستی باقی است باید برفع سعادت خود، وطن خود بکوشد و نگذارد این ساعات و دقائقی که برق آسا می گذرد بپرواز دست برود.

راستی بیایید فکر کنیم یک سال از عمر خود را در مقابل چه اعمال و ذخیره از دست دادیم ؟!

بدبخت کسی است که رشادت فکری ندارد و انعکاس صدای باطنی را نمی شنود.

آنهاست که بجائی رسیده اند و بهائی ترین مدارج سعادت نائل شده اند غیر از مزیت فکری که قیمت وقت را تشخیص داده اند شاید تفوق و رجحان اساسی بر مردمان عادی نداشته اند.

اگر خوب دقت کنیم و فشار عقاید خرافاتی را بدمایغ وارد نیاوریم و بخواهیم حقیقت را بشناسیم خوب میتوانیم در اندک مدتی راه را از چاه بدانیم.

کار کنیم سعی و عمل را پیشوا و مقتدای خود قرار دهیم، خود را با اخلاق و صفات حمید بیاراییم، عزت و شرافت و علوهمت و اراده و اعتماد بنفس را در خود پرورش دهیم آن وقت خوب میبینیم که در قضا و قدر بخل و حب و بغض نسبت باشخاص و افراد وجود نداشته و سرنوشت هر کس بادست خودش نوشته میشود و بالاخره محصول ثمره و بویه پذیری است که کاشته شده است

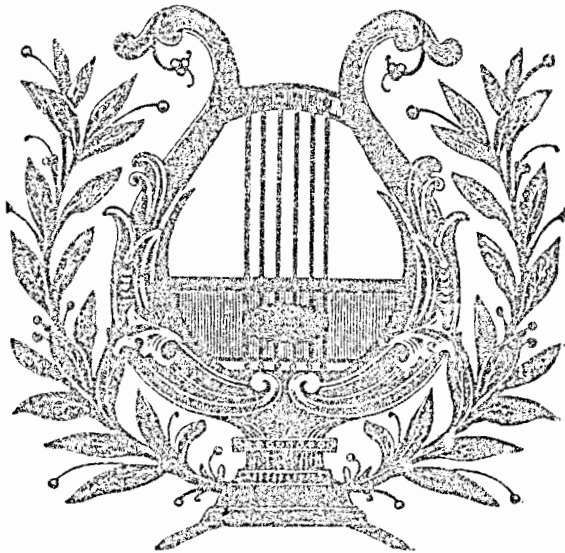
تجدید سال و حلول سال نو، نشاط و وجد عوالم خلقت در هر موجودی تاثیر میکند، وقتی وارد در مرحله سال جدید میشویم و تفویم باریش را از اطاق خود

برداشته کاهنامه سال نوین را بجای آن نصب مینمائیم خوبست در این فکر باشیم که سال گذشته را باچه نوع اعمال و افکاری تمام کرده ایم!

گذشتن یکسال از تاریخ زندگانی چیز بی اهمیتی نیست، دقیقترین چیزها زمان و وقت است هر ساعت و دقیقه که گذشت، هر ثانیه که معدوم شد باز گشت ندارد پس باید احساس کنیم که این دقائق گرانبها را باچه اعمالی می توانیم از دست بدهیم.

اگر در حرکت زمان و ایام و لیالی ممکن بود لحظه رفته پیدا شود آن وقت هم شایسته بود که ما اوقات را بسکون و توقف بسربریم.

هر سال در موقع تحویل آفتساب به برج حمل وعید نوروز این فکر در دماغها بدون اراده میجوشد و هر کس بخود می گوید - یکسال دیگر گذشت - راستی زمان چه زود میگذرد!؟



عید ملی نوروز

عید ملی نوروز از اعیاد باستانی و تنها آثار و علائق اجتماعی ما است که
از صدر تاریخ درخشان ایران تا امروز باقی و برقرار بوده و غریزه نوادی
مارا نگاه داشته است

عید نوروز نخستین روز سال نو است، طبیعت بعد از رکود و خمود زمستان
از نسیم فروردین بیدار میشود، درختان پژمرده و عریان و بساتین خروش و
مراعات سرد روحی تازه بخود میگیرند، برگهای تازه، شکوفه های نارس از
بغل شاخه ها خود نمایی میکنند بر سطح زمین مزارع فرش زمردین چمن گسترده
اند، جویبارها، چشمه سارها، رودخانه ها مانند آبگینه سیال روان گردیده تابش
اشعه زریں آفتاب سیمای بلورین آبرا برنگ قوس و قزح در میآورد، کوهستان
مقعره حریر برف را از رخسار کشیده همچون دوشیزه دلربائی غمازی میکند.

پرنندگان از نطفه بهاری بنوا درآمده بلبل سرود عشق را میسراید،
قمری در طرف چمن با پرنندگان نشید فرح انگیز مینوازند هر صنف و دسته از
پرنندگان آشیانه ولانه خود را با هوش و قریحه که طبیعت بآنان عطا کرده
میسازند .

در این تحول حیرت انگیز که شور حیات و زندگانی از نو در موجودات
پیدا شده و سر **یجیی العظام و هی رهییم** آشکار می گردد در معنی در عید
طبیعت جشن ملی نوروز برپا میشود

هر جامعه و هر قومی شعائر و علائق خاصی دارد، این علائق که هر کدام
مولود یک جهت جامعه و فصل مشترک عواطف قومی است ممکن است در جریان
تاریخ مطابق مقتضیات زمان رنگ و خوی دیگری پیدا کند و سر و چهره معانی
آنها فراموش گردد. این است که اعقاب همیشه نسبت به اجداد اسلاف با ایمان
و عقیده کاملی نگاه نمیکنند زیرا از فلسفه و کیفیت آت مراسم بیخبر مانده اند

امروز موضوع مراسم چهارشنبه سوری، چیدن بساط نفت‌سین باو هام و خیالات خرافاتی بیشتر شباهت دارد زیرا حقیقه معلوم نیست که بنیان و اساس این آداب چه بوده اگر بخواهیم ماده اشقائ لغات را در این موضوع هم تتبع کنیم البته میتوان اظهاراتی نمود. بعد زمان و فراموشی از فلسفه بعضی از مراسم و عادات ملی را به شکلی درآورده که در اغلب موارد اساس و فلسفه آن مشکل است هرملتی به علائق قومی و مفاخر تاریخی خود زنده و پاینده است و قبیافه ممتاز و آبادیگران همان روابط و شعائر است.

امروز برای ملیت معانی دیگری پیدا کرده اند ولی برای ما ایرانیان که خوشبختانه تمام جهات اصلی و اساسی و ارکان قوای ملی موجود است همه از يك ریشه و يك نژاد و يك خانواده میباشیم - زبان و عادات آئین ما متحد است مجبور نیستیم که علل سست و ویدوای رامظاهر ملیت دانسته و از شعار تاریخی خود روی برگردانیم.

یونانیها، پارتهای نورانی، تازیان، مغولها و صحرا نشین های دشت تبت تهاجمات شدیدی با اساس و ارکان ملی ما نموده اند بر ضد زبان و احساسات ملی ماحربه های قاطعی بکار بردند ولی روح ایرانی همیشه زنده و باقی بوده و هیچگاه زوال نخواهد داشت.

در هر موقع مناسب بازمان عقلای قوم آئین ملی را محفوظ داشتند و هر سال از بوسه های گرم و چهره های گلگون که از نشاط و ذوق برادری رنگ ارغوانی می گیرد عواطف و علائق قلبی و خانواده گسی را محکم می نمودند.

راستی چقدر نشاط انگیز است که در سراسر کشور پهنای شاهنشاهی ایران در تمام شهرها دهکده ها قراء قصبات و در ممالک خارجه که هم وطنان ما بسر میبرند در ایام عید مراسم و عواطف قومی شعنه ور میگردد.

در همه جا جشن و سرور بر پا است همه بدیدن یکدیگر میروند و سال نورا تبریک میگویند در يك خانه محقری جمعی از اقوام فقیر گرد یکدیگر جمع آمده بودند، درخشیدن سبزه در سینی و بساط کوچک جشن و ظرف نقل قباذه های مسرور و خوشباش آن حاجت و خیز اطفال روح را بحوش میآورد.

آری باید جشن نوروز را تعظیم نمود.

چندروز تعطیل: تجدید مراسم و تقویت احساسات ملی از فرایض آئین اجتماعی ماباید بوده باشد انتقادات بی مورد افکار سطحی را باید کنار گذاشت در سالهاییکه تمام شئون دستخوش ملعبه و فساد بوده بعد نوروژ و آئین باستانی هم طرف حمله قرار گرفت اشخاص تعرض و تنفر از مراسم ملی را برای خود افتخار میدانستند ولی امروز که قوام اجتماعی روی شئون ادبی ایران استقرار یافته باید بزبان بدگویان هم از طعن بآثار ملی بسته شود تعطیل عید تمام شد و همانطور که انتظار میرفت یاس علائق ملی بیشتر از هر سال طرف توجه عموم قرار گرفته بود راست است که طرز دیده و باز دیده و قیادل کارت تبریک خسته کننده شده و بایستی تهیه یک رسم نو برای اهدا و تبریک ایجاد شود و این یکی از موضوعاتی است که باند تحت مدافعه واقع گردیده و عقاید در این موضوع مورد مطالعه قرار بگیرد.

نفوذ موسیقی و آداب و رسوم دیگران بالاخره هم رنگ شدن با کیفیات اجتماعی بیگانهان و بی قیدی و انتقاد از رسم خود مآل موجب بدبختی های تلخی خواهد شد.

انتظار داریم شهردارها این موضوع را مورد دقت قرار دهند و مهمانها را برای جشن نوروژ و ترنم موسیقی ایرانی و همچنین مراعات نکات اخلاقی و ادبی تعلیمات لازم را دریافت نمایند.



درس طبیعت

گذشته و آینده

بهار آمد، سال نو قدم در صحنه طبیعت گذاردنسیم فروردین بانفخه معطر روح طرب و نشاط را بر موجودات افسرده دمید و طبیعت پژمرده دوره جوانی و کامرانی را از سر گرفت.

در تمام ارکان خلقت جوش و خروش سعی و عمل فعالیت و انبساط هویدا شده پرندگان در شاخسار اشجار آشیانه میسازند مورچگان از لانه های زیرزمینی سربیز کرده درس فعالیت و اراده و عمل هزم و متانت را میاموزند

سرور و نشاط روح اراده و سعی و عمل است، ترنم آبشار، زمزمه جویبار الحان دلکش پرندگان در باغ و بستان فصولی از ابواب خلقت و نمونه از حرکت و نشاط طبیعت است

در یک دوره شمسی طبیعت بایک پرگرام منظم تغییرناپذیر کار میکند بهار تابستان، پاییز، زمستان سعی و عمل استمراری بدون وقفه پیش میاید و در هر یک از این فصول ثمره و نتیجه عمل را نشان میدهد

نظم و ترتیب، نشاط و فعالیت ناموس طبیعت است! آنهاست که با این سیر تکاملی و تدریجی موافقت مینمایند پیش میروند، کسانی که بیقیدی و بینظمی را شعار خود ساخته اند ضعیف و محکوم بمرگ میشوند

این قانون ثابت طبیعت و خلقت است، از هر طرف حرکت کنید بهر جا بروید این قانون ساری و جاری است

بمدن و عظمت علم و معرفت و صنایع که در پرتو سعی و عمل و نشاط و فعالیت بوجود آمده تماشا کنید

کوشش و او چشم بصیرت را باز کنید در دامنه های انبوهی کوهسار در جنگلها و همه جا تمام اصناف مخلوقات را باروح نشاط انگیز مشغول بکار میبینید

مرور زمان، گردش طبیعت پیشرو تکامل است روزها بی دری میروند ساعات

دقایق مثل برق لامع از نظر میگذرند و برای عنصر بیکار جزافسوس، حسرت و ندامت بدبختی و مذلت چیزی باقی نمیگذارند

قرن ها از دوره طبیعت طی شده و سالها از فراز این آسمان صافی و جنگلهای مسرت بخش از خلال زندگانی موجودات و بشر گذشته وقایع و حوادث خوب باید از نتایج اعمال افراد باقی گذارده و خود بایک صفحه یادداشت که ما آنرا مقدرات میگوئیم در فضای نیستی معدوم شده است

سال گذشته گذشت و اینک امروز سال نو با جلوه دلربایی آمده است شما میگوئید که زمان و ایام سرنوشت و مقدرات افراد با جوامع را با خود میاورند از این جهت چون خود را معمول و عاملرا ماورای اراده و فکر خود میدانید نمیخواهید در علل بدبختی و حرمان خود مطالبه کنید

اما عقل و منطق با این عقیده شما همراه نیست منشور لیس انسان الاهی قاطع حل این معماست

هر کس آنطوری که بخواهد زندگانی میکند و بهره چه اراده داشته باشد موفق میشود، جدیت شرط موفقیت است اراده و ایمان بکار و حقیقت قضا و قدر انسان را به مفهوم من جد و جد میرساند !

یکسال گذشت !

خوب است پیش خود حساب نمائیم که ایام از دست رفته و ساعات چپنده که متوالیا گذشته است برای سعادت و خوشبختی خود چه کرده ایم اگرگاهی متوجه این محاسبه بشویم و پیش از آنکه فرصت از دست برود و آب از سر بگذرد بهوش آییم می توانیم اشتباهات خود را اصلاح و برای سعادت و نجات از مصائبی که محصول عمل ما است فکری نمائیم

اما غالبا غافل هستیم و هنگامیکه سیل بدبختی ما را فرا میگیرد مغرور ما مشغول مسحا که اعمال گذشته شده و از سرزنش وجدان دائما ملول و افسرده میگردیم

روزها و ساعات عمر طی میشود ولی انفعال و شرمندگی حسرت و ندامت رنج و الم و مصیبت را با خود نمیبرد و برای ما باقی میگذارد .

گاهی در اثر یک تصادم عصبی افسرده میشوید در عالم تنهایی وجدان تمام دوره های زندگانی و اعمال شما را مثل عکس سیار و پرده سینما از چشم باطنی

تماشای این فیلم رموز نادرجه تلخ و زهرآلود است ؟

ممکن است آثارمادی اعمال و افعال را منهدم نمود حتی بزرگترین ساختمانها را که دست بشر ساخته خراب کرد کوهها را از میان برداشت اقیانوسها را خشک کرد و اثری از آثار وجود باقی نگذاشت اما دسترس بسوختن عکس هائی که وجدان از اعمال و اصول غلط زندگانی فردی برداشته قابل زوال نیست هر لحظه آنها را نمایش میدهد بدون مقدمه باشما حرف میزند هر جا فرار کنید بهر طرف مخفی شوید این دستگاه سینما با خودش حرکت میکند در خواب و بیداری اعمال زندگانی از نظر می گذرد در این اوقات تلخ روح مسموم ما چه کار میکند!

برای رهایی از این برزخ و برای این که هیچ کس گرفتار عذاب و جدات نشود باید اساس زندگانی خود را روی اراده و فکر و نظم قرار دهد

زندگانی که با آه و افسوس بگذرد نمره آن بدبختی و مذلت است برای گذشتن وقت عجله نکنید ساعت شمار را برای این که بدانید کی و چه وقت ظهور با غروب میشود بچیب و بغل نگذارید همیشه فکر کنید که در حرکت مستدیر عقربه ساعت در یک دور گردش چه نتایج آبرومند و سعادتمندی را باید بدست آورد دویک چرخ عقربه که یک ساعت است در خلال زندگانی بشر هزاران افراد سعادتمند و بالعکس هزارها بدبخت شده اند

شما یک موجود طبیعت هستید که با وجودتان حاصل گردش قرون و اعصار و ماشین با عظمت خلقت میباشد

قرن ها طی میشود سالها میگذرد از مشیه عالم وجود و تکوین یک موجود است

وجود میاید

انسان یک موجود طبیعت است که هر فرد آن محصول هزارها گردش فلکی

و ازضی و عالم ماده و کائنات است

این وجود لا یزال و ثابت نیست عمر مانند برف است و آفتاب گرم ساعات و ایام بزودی آن را ذوب میسازد پس همه وقت باید تا مثل ایام گذشته رانمود و بر عمر از دست رفته تاسف خود و سنگ سراج دل را با لباس آب دیده سفت و به هوش آمد و برای سعادت و نیکبختی و نشاط وجدان کار کرد و روح را با اعمال نیک و افعال خوب شاد نمود

این ایقاظ و تفکر هادی اصلاح و موجب نجات است • این دقت و مطالعه

هزاران مصیبت زده و غرق دریای بدبختی را بساحل میرسانده
 آری کاهی باید گذشته را در نظر گرفت و خطایای دیرینه را اصلاح کرد از
 این جهت است که رسول اکرم «ص» فرموده تفکر ساعة خیر من عباده سبعین سنة
 انسان اگر ساعتی بخود آید و کوش بنصایح وجدان بدهد هزاران مخاطرات را
 از خود دور کرده است
 از بدبختی نباید نالید باید جستجو کرد که علت ظهور هر رنج و تلخکامی
 چه بوده، وقتی کیفیات و علل پیش آمدها معلوم شد تصحیح آن سهل و
 ساده است.

حوادث مولود عمل و افعال انسان هستند
 نورمول زندگانی مثل اعمال ریاضی است. اگر معادله ریاضی حل نشد باید
 جواب غلط رسید باید اشتباه را پیدا کرد
 اینک باید دید اگر حسابدار در عمل بجواب غلط رسید و بسرو مغز خود زدو
 از بخت و مقدرات شکایت نمود حق دارد؟ البته خواهید گفت که باید عمل را از سر
 بگیرد امتحان کند اشتباه را بدست آورد تا بجواب صحیح برسد **حضرت امیر**
میفرماید دوائك فيك ولا تشهر درمان مصائب در خود انسان است
 ولی نمیفهمد. عید نوروز از این لحاظ ذی قیمت است که علاوه بر شمار ملی در
 درمونی تجدید دوره طبیعت نباشد همان طور که نسیم بهار نباتات را زنده می
 سازد هراتسان بیحرکت و دل مرده را بوجد میآورد
 نشاط عید، جنبش نوروز بخودی خود وجدان را برای مراجعه خاطرات
 سال گذشته بیدار میسازد و هر گس بخود میگوید یکسال دیگر گذشت از نظر حفظ
 اصول قومیت و جوش ملی باید عید نوروز را اهمیت داد آثار و نتایج معنوی این
 عید از لحاظ ایقاع افراد خیلی زیاد است بایستی خیالی دقیق و متوجه اصلاح باشیم
 صمیمیت. مودت. صداقت. امانت. حسن عمل. فعالیت. نشاط عزم وارده
 بایستی اخلاق طبیعی ما بشود
 تلون. اسراف و تجمل پرستی و انحراف از حقیقت و صدها مفسد اخلاق
 دیگر را باید از خود دور سازیم
 اگر برنامه زندگانی فردی مادر سال نو این بود زهی خوشبختی و سعادت